

بدون ایران با ایرانی‌ها

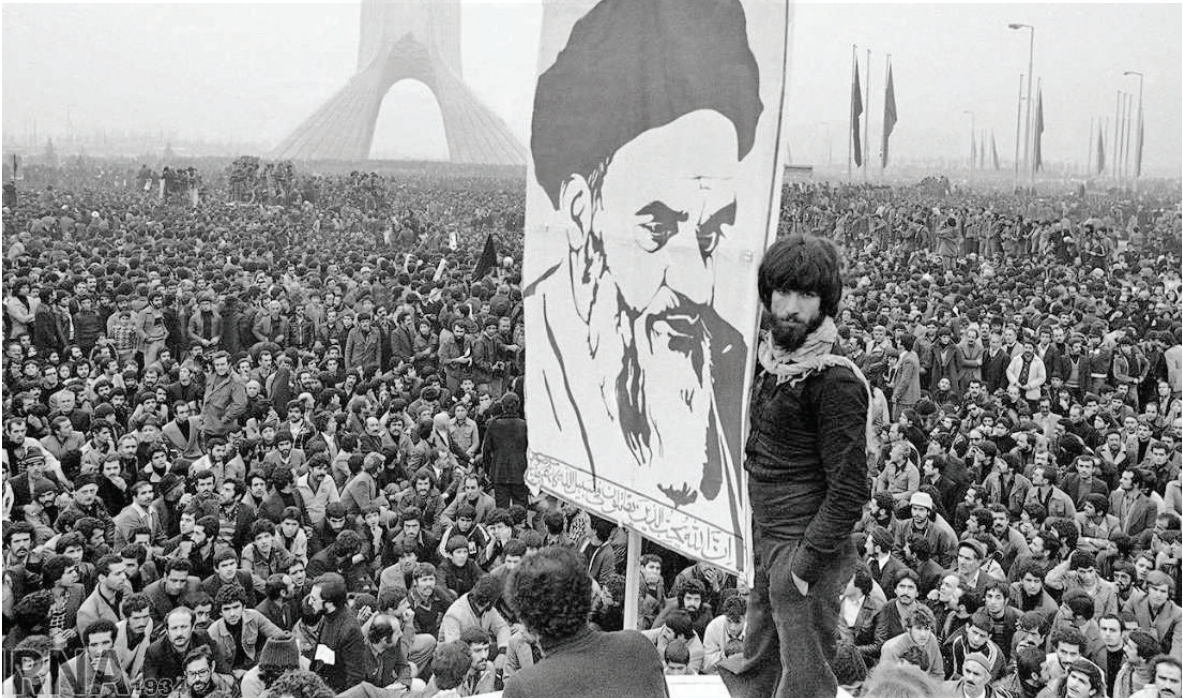
اعلام فهرست نامزدهای نهایی اسکار و حذف نماینده ایران

گروه فرهنگ: آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا دیروز فهرست نهایی نودوهشتمین دوره این رویداد را در بخش‌های یازده گانه اعلام کرد. در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان که نگاه ما ایرانیان به آن دوخته می‌شود، فیلمسازان ایران در این رقابت سینمایی حضور دارند، اما نامی از نماینده سینمای ایران در میان ۱۵ فیلم نهایی دیده نمی‌شود. از میان فیلم‌های راه‌یافته به‌مر حله نهایی، پنج فیلم مدعی اصلی اسکار بهترین فیلم‌اند. این فیلم‌ها به‌دلیل درخشش در جشنواره‌هایی مثل کن و ونیز و داشتن پخش‌کننده‌های قدرتمند در آمریکا برای فهرست نهایی تلقی می‌شوند. اولین فیلمی که گفته می‌شود بیشترین بخت را دارد، «ارزش احساسی» ساخته یواخیم تری‌یر است که به نمایندگی از نروژ در رقابت حاضر است. تری‌یر پس از موفقیت خیره‌کننده آخرین فیلم‌اش «بدرتین آدم دنیا» در سال ۲۰۲۱، بار دیگر با داستانی خانوادگی و دراماتیک بازگشته است. «یک تصادف ساده» به کارگردانی جعفر پناهی نیز همان‌طور که حدس زده می‌شد، در فهرست نهایی دیده می‌شود. پناهی برای این فیلم در جشنواره کن امسال، نخل طلا را گرفته و نامزد چهار گلدن گلوب نیز شده است. فرانسه این فیلم را به‌عنوان نماینده رسمی خود انتخاب کرده است. حضور نام‌پناهی و تم سیاسی و اجتماعی فیلم، در کنار حمایت همه‌جانبه منتقدان فرانسوی، آن را به رقیبی سرسخت برای ارزش‌های عاطفی تبدیل کرده است. از سینمای کره جنوبی، فیلم «چاره دیگری نیست» در رقابت اسکار حضور دارد؛ تریلری معمایی که پارک چان‌ووک ساخته است. آکادمی پس از «انگل»، توجه ویژه‌ای به سینمای کره دارد و نام و آوازه کارگردان آن نیز تضمین‌کننده راه‌یابی فیلم به مراحل نهایی است. از سیمای برزیل نیز پس از سال‌ها، فیلمی به‌مر حله نهایی رسیده است. «مامور مخفی» به کارگردانی کلبر مندوسا فیلیو، نامزد برزیل در اسکار است. یک درام سیاسی و مهیج که در جشنواره‌ها با استقبال بسیار گرمی روبه‌رو شده است، به‌خصوص دو جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد را دریافت کرده است. برزیل پس از سال‌ها دوری از جوایز اصلی، امید زیادی به این اثر دارد. فیلم «صراط»، نیز نماینده سینمای اسپانیا در اسکار امسال است. فیلمی جنایی، حادثه‌ای و روانشناختی که داستان جست‌وجوی یک‌پدر برای یافتن دختر گمشده‌اش در شمال آفریقا را روایت می‌کند، تبدیل به سفری پرخطر، اخلاقی و فلسفی می‌شود. کارگردان این فیلم، اولیور لاکسه است و از آنجا که شاخه بین‌الملل اسکار همواره به سینمای اسپانیا علاقه‌مند بوده، شانس زیادی برای فیلم با فیلمبرداری خیره‌کننده و روایت مذهبی فلسفی، نظر مثبت منتقدان را جلب کرده است. از دیگر فیلم‌های شاخص در بخش فیلم‌های بین‌المللی، «صدای هند رجب» به کارگردانی کوثر بن‌هانیه است. این فیلم که به نمایندگی کشور تونس در اسکار حضور یافته، بازسازی رویدادهای مربوط به کشت‌شدن هند رجب شش‌ساله و خانواده‌اش در جریان حمله نظامی اسرائیل به غزه است. هندبا فیلم «به خانه برگشته»، عراق با فیلم «یک رئیس جمهور»، فلسطین با فیلم «فلسطین ۳۶»، اردن با فیلم «اتمام آنچه از تو باقی مانده»، سوئیس با فیلم «شیفت شب»، تایلوان با فیلم «دختر چپ دست» ژاپن با فیلم «کوکوهو»، آلمان با فیلم «صدای سقوط» و آرژانتین با فیلم «بلن»، سینمای خود را به اسکار معرفی کرده‌اند. در رقابت‌های اسکار معمولاً کسب جوایز از دیگر جشنواره‌ها به‌خصوص پخش‌کننده‌ها، نقشی تعیین‌کننده دارند. در اسکار نودوهشتم، کمپانی NEON با در اختیار داشتن حق پخش فیلم‌های نروژ، برزیل و کره جنوبی، عملاً کنترل بخش زیادی از نامزدهای احتمالی را در دست دارد. از ایران جز جعفر پناهی، دومستندساز ایرانی نیز در بخش بهترین مستند بلندبین‌المللی حضور دارند. سارا خاکی و محمدرضا عینی، مستند «اوژاک یوللار» را به اسکار برده‌اند. نماینده سینمای ایران در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان اسکار، فیلم «علت‌مرگ نامعلوم» بود؛ فیلمی به کارگردانی علی‌زرنگار، که بنیادسینمایی فارابی پس از کش‌وقوس‌های فراوان بر سر انتخاب، آن را به نمایندگی از ایران به آکادمی اسکار معرفی کرد. عده‌ای معتقد بودند، فیلم «پیرپسر» ساخته اکثا براهنی، نماینده بهتری برای سینمای ایران در اسکار خواهد بود، اما در نهایت نظر هیئت‌انتخاب فیلم «علت‌مرگ نامعلوم» بود. فیلمی که اگر چه از نظر ارزش‌های سینمایی تحسین شده است، ولی برخی منتقدان و سینماگران باتوجه به اکران محدود و سابقه جوایز بین‌المللی کم در مقایسه با فیلم «پیرپسر»، شانس پایینی برای قرارگرفتن آن حتی در میان ۱۵ فیلم برتر اسکار قائل بودند. به‌هرروی امسال یکی از معدود دوره‌های اسکار است که سینمای ایران نماینده‌ای رسمی ندارد اما سینماگران ایرانی، آثارشان را با پرچم کشورهای دیگر راهی این جشنواره کرده‌اند. آکادمی اسکار، نامزدهای نهایی را ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ اعلام می‌کند و جوایز نیز ۱۵ مارس به برندگان اهدا می‌شود.

عسکری، ایران

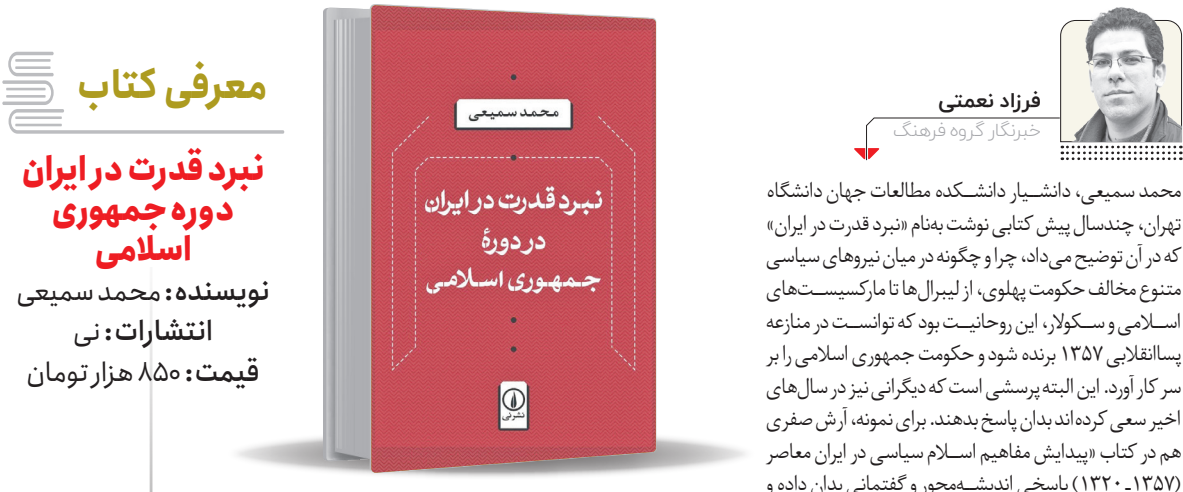
فرهنگ ۱۴

CULTURE



معمای ماندگاری

چگونه جمهوری اسلامی قریب به نیم‌قرن تداوم یافته است؟



محمد سمیعی، دانشیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، چندسال پیش کتابی نوشت به‌نام «نبرد قدرت در ایران» که در آن توضیح می‌داد، چرا و چگونه در میان نیروهای سیاسی متنوع مخالف حکومت پهلوی، از لیبرال‌ها تا مارکسیست‌های اسلامی و سکولار، این روحانیت بود که توانست در منازعه پسانقلابی ۱۳۵۷ برنده شود و حکومت جمهوری اسلامی را بر سر کار آورد. این البته پرسشی است که دیگرانی نیز در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند بدان پاسخ بدهند. برای نمونه، ارش صفری هم در کتاب «پیدایش مفاهیم اسلام سیاسی در ایران معاصر (۱۳۵۷-۱۳۲۰) پاسخی اندیشه‌محور و گفت‌مانی بدان داده و استدلال کرده است که مفاهیم اسلام سیاسی در سه چالش در این‌بازه زمانی، آبدیده شده‌اند: چالش با ماتریالیسم و مارکسیسم، مقابله با بهائیت و پاکدینی سکروی و مبارزه با دولت. این هر دو کتاب موردتوجه نیز قرار گرفتند و برای نمونه کتاب سمیعی به چاپ دهم رسیده است.

▼ پاسخ‌های ساده اما ایدئولوژیک

اینگ سمیعی در ادامه آن کتاب، اثری دیگر نوشته است به‌نام «نبرد قدرت در ایران در دوره جمهوری اسلامی» که در

مسلح به عشق و خیال

موراکامی در «شهر و دیوارهای بی‌ثباتش» عشق و خیال را معنابخش هویت گمشده می‌داند



نویسندگان معاصر جهان است و اخیراً هم به پاس سال‌ها فعالیت به‌عنوان داستان‌نویس، مترجم، منتقد و مقاله‌نویس جایزه «یک عمر دستاورد در داستان‌نویسی» که پیش‌تر به برندگان نوبل از جمله «تونی موریسون» و «کازونو ایشی گورو» تعلق گرفته بود را دریافت کرد. او در آثارش ترکیبی از ادبیات غربی، فرهنگ ژاپنی و فلسفه اگزیستانسیالیستی را با نثری روان و خیال‌انگیز به مخاطبانش ارائه می‌دهد. سبک متفاوت و ساختارشکن موراکامی که از سنت‌های ادبی بومی فاصله دارد و با استفاده گسترده از تأثیرات ادبی و فرهنگی غرب، ادبیات ژاپن را با جهان گره می‌زند، دوموقعیت متفاوت را پیش‌رویش قرار داده است. از یک‌طرف، نامش را به‌عنوان یکی

کتاب پنجمشبه

حق بود و می‌خواست داد مردم مستضعف ایران و جهان را از مستکبران داخلی و خارجی بازستاند، خداوند یشتیبان آن بود و مردم ایران با جان و دل از آن حمایت کردند.» در مقابل این نگاه، مخالفان حکومت نیز معتقدند، آنچه جمهوری اسلامی را تاکنون بر سریر قدرت نگاه داشته است، «قدرت سرکوب» حکومت بوده که منجر شده به این واقعیت که «کسی جرأت ابراز مخالفت در عرصه عمومی را نداشت.»

سمیعی اما با این پاسخ‌ها چندان موافقتی ندارد و به تعبیر خودش می‌خواهد در این کتاب براساس «تحلیل موقعیت» (situational analysis) رفتار نیروها و بازیگران سیاسی را بررسی کند و منطق تصمیم‌سازی آنها را آشکار سازد. او برای ورود به این تحلیل می‌گوید، اگر در دوران پهلوی نیروهای سیاسی شامل سه گروه نخبگان (دربار و دیوانسالاران و نظامیان و سلاواک، روحانیت، و روشنفکران و چپ‌گرایان)، دولت‌های خارجی (استعمار در سایه و توده‌های مردم می‌شد، در دوره پس از انقلاب بهتر است نیروهای سیاسی را در قالب دوگانه نخبگان (روحانیت، روشنفکران، جناح‌های سیاسی، گروه‌ها و نهادهای ثروتمند، نظامیان و نهادهای اطلاعاتی، کشورهای خارجی و ضدانقلاب) و توده‌ها فهم کرد. بر همین اساس فصول کتاب شامل بررسی همین نیروها می‌شود.

▼ ۴ مشکل بزرگ جمهوری اسلامی

از نظر سمیعی، جمهوری اسلامی ایران از ابتدا با چهار مشکل بزرگ روبه‌رو بوده و هنوز هم هست:

۱ از جهت نظری نوعی ناسازگاری درونی دارد، یعنی تلفیقی است میان دو امر مدرن (جمهوری) و سنتی (اسلامی) که الزاماً با یکدیگر همخوان نیستند.

۲ در نظام بین‌الملل، کشوری نامتعارف است، بنابراین هم او شعار می‌دهد «نه شرقی، نه غربی» و هم قدرهای بزرگ آن را برهم‌زننده نظم جهانی تصور می‌کنند.

۳ دشمنان فراوان داشته و دارد چنانکه طبق آماری که سمیعی به نقل از برخی منابع نقل می‌کند، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵، بیش از ۱۱۶ هزار نفر فقط توسط «سازمان مجاهدین خلق» کشته یا به‌تعبیر خود آن سازمان، «اعدام انقلابی» شده‌اند.

۴ در مقایسه با کشورهای هم‌سطح، کارنامه درخشانی ندارد. این دیگر امری است که گاه مسئولان نظام نیز بدان ادعان دارند و همان‌طور که نویسنده هم اشاره کرده است، برای پی‌بردن بدان کافی است نگاهی به وضع اقتصاد کشور انداخت یا به تماشای مناظره‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری نشست.

باین تفاسیر، اینکه جمهوری اسلامی تاکنون سقوط نکرده، برای بسیاری همچون معمایی حل‌ناشدنی جلوه‌گر شده است. برخی حتی در این مقام برای کاستن از پیچیدگی این راز، پناه می‌برند به دخیل دانستن قدرت‌های خارجی و می‌گویند اگر نبود رضایت قدرت‌های جهانی از حفظ وضع موجود ایران، حکومت تاکنون بارها سقوط کرده بود. سمیعی البته با این تحلیل موافقتی ندارد و از قضا معتقد است، هم دشمنی میان ایران به‌خصوص آمریکا واقعی است، هم این ضدیت «یکی از علل سربلندی و ماندگاری جمهوری اسلامی» است.

در کنار این، او چند نکته مهم دیگر را نیز پیش‌فرض می‌گیرد. اولاً، جمهوری اسلامی حکومتی تلفیقی است، نه حکومتی اسلامی. ثانیاً، جمهوری اسلامی یک نظام سیاسی است و اتفاقات رخ‌داده در آن را نمی‌توان به یک شخص یا نهاد خاص نسبت داد. ثالثاً، جاسوسی، کاسبکاری و وجود منافع



از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان معاصر ژاپن در سطح بین‌المللی ثبت کرد. از طرف دیگر، همین جهانی‌بودن و سبک نامتعارف باعث‌شده جایگاهش در داخل ژاپن همواره محل بحث‌وجدل میان منتقدان سنت‌گرا و طرفداران ادبیات مدرن باشد. کازونو ایشی‌گورو، برنده جایزه بوکر، همچنین برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۷ نیز درباره این دوگانگی سبک نویسندگی هاروکی موراکامی گفته است: «او دو سبک متمایز دارد: ؛ از یک، سو سبک غریب و آشوبگر ایانه و از سوی دیگر، شیوه مالیخولیایی بسیار کنترل‌شده.» برخی دیگر هم جان‌مایه اصلی داستان‌های او را فقدان می‌دانند؛ فقدانی که از بیان سرمنشأ آن سرباز می‌زند، اما در هر یک آثارش به‌شکلی متفاوت البته با فرمی یکسان، مبتنی بر خاطره‌گویی و اعتراف‌گونه تکرار می‌شود. در «شهر و دیوارهای بی‌ثباتش» هم که موراکامی بیش از ۴۰ سال پس از نوشتن نسخه‌ای کوتاه از ایده اصلی‌اش، دوباره سراغ آن رفته و این بار آن را به زمانی بلند، تأملی و کاملاً موراکامی‌وار تبدیل کرده، راوی و شخصیت اصلی در جست‌وجوی شهری گمشده است تا در آنجا بتواند هویت و عشق خود را بازیابد یا فراموش کند و از نو بسازد. داستان درباره عشق نوجوانی است که حول شهری محصور با دیوارهایی نامطمئن می‌چرخد؛ شهری که در آن «سایه‌ها» از ساکنان جدا می‌شوند و قوانینش بیش از آن که منطقی باشند، استعاری و روان‌شناختی‌اند. راوی -مانند بسیاری از شخصیت‌های موراکامی- مردی تنها، درون‌گرا و گرفتار خاطره عشقی گمشده است که میان جهان واقعی و این شهر را ازآلود در رفت‌وآمد است.

▼ دیوارهای بی‌ثبات، ذهن‌های سرگردان

شهر و دیوارهای بی‌ثباتش همانند دیگر آثار موراکامی، گفت‌وگوی درونی و خاطره‌گویی راوی است، اما این بار این اتفاق در دنیایی که در